

پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی

سال دوم، شماره ۳، پیاپی (۵)، پاییز ۱۳۹۱، صص ۲۹-۴۵

بررسی اثر هموارسازی سود بر جریان‌های نقدی و سود دوره آتی؛ با توجه به دو متغیر نوع صنعت و اندازه شرکت*

حسین اعتمادی

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس

مهران سلوری

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

هدف این تحقیق بررسی انگیزه مدیریت از هموارساختن سود است که آیا مدیران به قصد تحریف اقدام به هموارسازی می‌کنند یا به قصد انتقال اطلاعات. این کار با بررسی رابطه بین سود دوره جاری با سود و جریان‌های نقد دوره‌های آتی انجام شده است. از طرفی تحقیقات متعددی به عوامل مؤثر بر هموارسازی سود اشاره کرده‌اند که از جمله می‌توان به اندازه شرکت و نوع صنعت اشاره کرد. این پژوهش بر آن است تا اثر هموارسازی سود را با توجه به دو متغیر اندازه شرکت و نوع صنعت بر پیش‌بینی سود و جریان‌های نقد دوره‌های آتی بررسی کند. بدین منظور، ۸۲ شرکت نمونه انتخابی از سال ۷۸ تا ۸۸ بر اساس اندازه شرکت به شرکت‌های بزرگ و کوچک و بر اساس نوع صنعت به محوری و پیرامونی تفکیک شده‌اند. درجه هموارسازی سود برای هر یک از شرکت‌های گروه‌های تفکیک شده از طریق همبستگی منفی بین تغییرات ارقام تعهدی اختیاری و تغییرات سود قبل از تغییرات ارقام تعهدی اختیاری بین سال‌های ۱۳۷۸-۸۵ اندازه‌گیری و سپس با استفاده از مدل تاکر و زاروین ارتباط بین سودها و بازده جاری و آتی با درجات متفاوتی از هموارسازی سود برای سال‌های ۱۳۸۲-۸۵ بررسی شد. نتایج پایانی حاصل از آزمون‌ها نشان می‌دهد که هموارسازی در گروه‌های مختلف تفکیک شده، بیشتر به قصد تحریف و نه به قصد انتقال اطلاعات صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی

هموارسازی سود، اندازه شرکت، نوع صنعت، ارقام تعهدی اختیاری

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۸/۲۴

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول (حسین اعتمادی): etemadiah@modares.ac.ir

۱- مقدمه

استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، خصوصاً سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان غالباً بر اساس پیش‌بینی عملکرد آتی تصمیم‌گیری می‌کنند. در روند تاریخ حسابداری، سود گزارش شده از جمله اطلاعات مهمی است که در هنگام تصمیم‌گیری به وسیله افراد در نظر گرفته می‌شود. تحقیقات انجام شده در این زمینه مؤید آن است که سود حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی است (استون^۱، ۱۹۹۱: ۳۲-۹)، لذا همواره از سوی بسیاری از تحلیل‌گران این سؤال مطرح است که آیا سود حسابداری توانایی توضیح واقعیت‌های موجود را دارد یا خیر. در این بین، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی همواره نسبت به نوسانات سود واکنش نشان می‌دهند. برخی سرمایه‌گذاران معتقدند شرکت‌هایی که سود پرنوسان دارند نسبت به شرکت‌هایی که سود هموار دارند دارای ریسک بیشتری‌اند و همچنین اعتماد سرمایه‌گذار را نسبت به آینده کاهش می‌دهند (تاگر و زاروین^۲، ۲۰۰۶: ۲۶۸). در نتیجه، مدیران انگیزه‌های زیادی دارند که سود را مدیریت کنند و برآنند که در فرآیند تعیین سود دخالت کنند تا رقم سود در راستای دلخواه آنها گزارش شود. هموارسازی سود به عنوان یکی از جنبه‌های مدیریت سود، از طریق دستکاری ممکن است سود گزارش شده را به سطح سود هدف نزدیک کند (وایلد^۳، ۲۰۰۱: ۲۵). در واقع هموارسازی سود، اقدامی آگاهانه و عامدانه برای کاهش تغییرات نوسان سود گزارش شده یا مورد پیش‌بینی با استفاده از تکنیک‌های حسابداری در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری است (هپ ورث^۴، ۱۹۵۳: ۹).

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بر اساس یکی از طبقه‌بندی‌های مدیریت سود، مدیران یا به قصد تحریف و منافع شخصی خود، یا به قصد انتقال اطلاعات اقدام به هموارسازی سود می‌کنند. از طرف دیگر، عوامل بالقوه متعددی ممکن است بر هموارسازی سود شرکت‌ها مؤثر باشد، بنابراین در این پژوهش به دو بُعد هموارسازی اشاره شده است. بعد نخست در این پژوهش بر تأثیرپذیری هموارسازی سود اشاره دارد. قطعاً عوامل متعددی در هموارسازی سود تأثیرگذار است که در اغلب تحقیقات صورت گرفته چه در ایران و چه در خارج از ایران به آن پرداخته شده است. از جمله این عوامل می‌توان به اندازه شرکت، نسبت سودآوری، نوع صنعت و مالکیت، میزان اختلاف سود واقعی و سود پیش‌بینی شده، مالیات بر درآمد، انحراف در فعالیت‌های عملیاتی، طرح پاداش مدیران و تغییرپذیری سود در تحقیقات پورحیدری (۱۳۸۵)، اعتمادی و جوادی مزده (۱۳۸۹) و ملانظری (۱۳۸۶) اشاره کرد. این تحقیق، بر دو متغیر اندازه شرکت و نوع صنعت، بیشتر از سایر متغیرها تأکید دارد. در این

پژوهش، منظور از اندازه شرکت اندازه فروش شرکت است و شرکت‌های با فروش بالا به عنوان شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های با فروش پایین به عنوان شرکت‌های کوچک به حساب می‌آیند. همچنین، نوع صنعت بر مبنای نظریه‌های اقتصادی دوگانه صنایع به دو بخش محوری و پیرامونی تقسیم شده است. بخش محوری آن دسته از صنایعی است که اساس و بافت سیاسی و اقتصادی هر کشوری را شامل می‌شوند و دارای منابع مالی بیشتری‌اند و انتظار می‌رود کالای باارزش و انحصاری را در رأس فعالیت خود قرار دهند. در مقابل، از صنایع پیرامونی انتظار می‌رود خدمات غیر تخصصی را ارائه کنند و همچنین کالای کم‌ارزش را تولید کنند. بعد دیگر این پژوهش بر تأثیرگذاری هموارسازی سود اشاره دارد. جو^۵ (۱۹۹۹) معتقد است بروز پدیده هموارسازی سود نشان از انگیزه مدیران برای افزایش رفاه سهامداران، تسهیل قابلیت پیش‌بینی سود و افزایش رفاه مدیریت است. ایشان انگیزه اصلی مدیران از هموارسازی سود را افزایش ارزش سهام شرکت می‌داند. تحقیقات متعددی در این زمینه انجام گرفته است که نشان‌دهنده تأثیرگذار بودن هموارسازی بر متغیرهایی همچون قیمت سهام، بازده سهام و سودآوری است (رحمانی و بشیری، ۱۳۹۰: ۳۹) و (خدادادی و جان جانی، ۱۳۹۰: ۷۷).

با در نظر گرفتن اهمیتی که سود برای مدیران دارد و توضیحات مختصری که در مورد نوسانات و هموارسازی سود و عوامل مؤثر بر آن داده شد، این سؤال مطرح می‌شود که هموارسازی چه منفعتی به همراه دارد؟ به عبارت دیگر، آیا این عمل اطلاعاتی را برای استفاده‌کننده به همراه دارد یا برای منفعت مدیران شکل می‌گیرد؟ بنابراین مسئله اصلی تحقیق را می‌توان چنین عنوان کرد که ((چگونه هموارسازی سود رابطه بین سود دوره با پیش‌بینی جریان‌های نقد و سود دوره آتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد)). علاوه بر این، تحقیق حاضر بر دو متغیر اندازه شرکت و نوع صنعت به عنوان عوامل مؤثر بر هموارسازی، بیش از سایر متغیرها تأکید دارد، لذا شرکت‌های نمونه از نظر اندازه شرکت به شرکت‌های بزرگ و کوچک و از نظر نوع صنعت به پیرامونی و محوری تفکیک و میزان تأثیرگذاری در این گروه‌ها بررسی شد. در نتیجه مسئله اصلی تحقیق بدین شکل بیان می‌شود ((با در نظر گرفتن دو متغیر اندازه شرکت و نوع صنعت که ممکن است در هموارسازی سود تأثیرگذار باشد، در شرکت‌هایی که هموارسازی سود انجام می‌گیرد چه واکنشی از سوی ارتباط بین سود دوره با پیش‌بینی جریان‌های نقد و سود دوره‌های آتی صورت می‌گیرد)).

یان سون^۶ (۲۰۰۲) معتقد است هموارسازی سود، اقدام آگاهانه‌ای است که مدیران برای کاهش نوسانات دوره‌ای سود در چارچوب اصول و روش‌های متداول حسابداری انجام می‌دهند، لذا هدف مشخصی دارد و آن ایجاد جریانی باثبات‌تر از رشد سود است. برخی از

محققان بر این باورند که هموارسازی ممکن است باعث افشای نادرست اطلاعات مالی شود (حقیقت، ۱۳۸۷: ۳۳). به عبارت دیگر، اگر هموارسازی سود انجام گیرد سرمایه‌گذاران اطلاعات صحیح و درستی در خصوص سودآوری برای ارزیابی بازده و انحراف پرتفوی نخواهند داشت.

۲-۱- پیشینه‌ای از تحقیقات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر هموارسازی سود

آتیک^۷ (۲۰۰۹) با طبقه‌بندی شرکت‌های نمونه به هموارساز و غیر هموارساز، تفاوت معناداری از لحاظ نرخ بدهی و صنعت مشاهده کرد.

آدایشن^۸ (۲۰۰۵) نشان داد که افزایش عمده بدهی‌ها باعث کاهش مدیریت سود در شرکت‌های با جریان‌های نقد بالا می‌شود.

در تحقیق احسان^۹ و همکاران (۲۰۰۵)، این نتیجه گرفته شد که شرکت‌های با اندازه کوچک و بدهی بالاتر، بیشتر به هموارسازی سود مجذوب می‌شوند.

کارمارودین^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۰) نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های کوچک‌تر نسبت به شرکت‌های بزرگ‌تر تمایل بیشتری به هموارسازی دارند.

نتایج مطالعه انصاری و خواجوی (۱۳۹۰) نشان داده است که نسبت جاری، پوشش بهره و نرخ سودآوری با هموارسازی سود همبستگی منفی دارد.

اعتمادی و جوادی‌مژده (۱۳۸۹) نشان دادند سودآوری بر هموارسازی آنها تأثیرگذار است. ایشان این امر را از این واقعیت ممکن می‌دانند که نوسانات سود تأثیر نامطلوب شدیدتری بر این نوع شرکت‌ها دارد.

ملانظری (۱۳۸۶) در تحقیقی نشان داد که بین هموارسازی واقعی و ساختگی سود و اندازه شرکت رابطه معکوس وجود دارد، به طوری که با افزایش اندازه (فروش) شرکت‌ها از میزان هموارسازی کاسته می‌شود. همچنین بین هموارسازی واقعی و نوع صنعت نیز رابطه معکوس برقرار است. از نظر نوع صنعت، شرکت‌های بخش صنایع پیرامونی بیشتر از شرکت‌های بخش محوری درصدد هموارسازی سود هستند، اما بین هموارسازی ساختگی و نوع صنعت همبستگی مشاهده نشد.

پورحیدری (۱۳۸۵) در مطالعه خود نشان داد که مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیت‌های عملیاتی از جمله انگیزه‌های مهم در هموار ساختن سود است. در مقابل، اندازه شرکت، نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها و نوسان‌پذیری سود در رابطه با شرکت‌های ایرانی مورد تأیید قرار نگرفت.

۲-۲- پیشینه‌ای از تحقیقات انجام شده در زمینه اثرگذاری هموارسازی سود

احسان و همکاران (۲۰۱۱)، با استفاده از ضریب پاسخگویی سودهای آتی، محتوای اطلاعاتی سودهای هموار شده را در محیط با نبود اطمینان بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سودهای هموار شده، محتوای اطلاعاتی بیشتری فراهم می‌کنند. نتایج حاصل از برازش و تحلیل پژوهش سان^{۱۱} (۲۰۱۱)، نشان می‌دهد هموارسازی، محتوای اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران به همراه دارد.

نتایج مقاله تاکر و زاروین (۲۰۰۶) نشان می‌دهد زمانی که شرکت‌ها سودشان را هموار می‌کنند، قیمت سهام اطلاعات بیشتری را درباره سود آتی نشان می‌دهد، به عبارت دیگر، هموارسازی به قصد انتقال اطلاعات صورت گرفته است.

سانکر و ساپرامانیام^{۱۲} (۲۰۰۱)، ثابت کردند که مدیران سود را برای هموار ساختن مصرف هموار می‌کنند، لذا اطلاعات محرمانه درباره سودهای آتی را گزارش می‌کنند.

هانت^{۱۳} (۲۰۰۰)، در تحقیق خود بر رابطه قیمت، بازده و اطلاعات حسابداری در یک دوره کوتاه مدت تأکید کرده است و به این نتیجه رسید که هموارسازی، میزان اطلاع‌دهی سودها را بهبود می‌بخشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه حجازی و همکاران (۱۳۹۰)، نشان می‌دهد که بین هموارسازی و نبود اطمینان اطلاعات، رابطه معنادار منفی وجود دارد.

سلیمانی امیری و حمزی (۱۳۹۰)، با استفاده از مدل اولسون^{۱۴} و جوتتر^{۱۵} بیان کردند که هموارسازی سود به کاهش اطلاعات نامطمئن در شرکت‌ها منجر می‌شود و با کنترل نوسان حاصل از سودهای غیرمنتظره و سایر ویژگی‌های شرکت، هموارسازی سود هیچ اثری بر بازده سهام شرکت‌ها ندارد.

بررسی فرضیه‌های پژوهش رحمانی و بشیری منش (۱۳۹۰)، نشان داد که قیمت سهام شرکت‌هایی که بیشتر اقدام به هموارسازی سود کرده‌اند از اطلاعات بیشتری درباره سودآوری و جریان‌های نقد آتی برخوردار است.

نتایج پژوهش انصاری و خواجوی (۱۳۹۰)، نشان داد که هموارسازی باعث افزایش قیمت بازار سهام شرکت‌ها می‌شود.

هاشمی (۱۳۸۸)، در تحقیق خود نشان داد که هموارسازی سود درباره پیش‌بینی نقد و سود برقرار است؛ بدین معنا که توانایی سود در جریان‌ات نقد و سودهای آتی را افزایش می‌دهد، در حالی که اقلام تعهدی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد.

همچنین، نتایج حاصل از تحقیق حقیقت (۱۳۸۴)، نشان می‌دهد قیمت جاری سهام شرکت‌هایی که بیشتر اقدام به هموارسازی می‌کنند حاوی اطلاعات کمتری درباره سودهای

آتی است؛ بدین معنا که هموارسازی سود بیشتر به قصد تحریف و برای منافع شخصی مدیران انجام می‌شود.

در راستای مطالعات قبلی، این تحقیق با مطرح کردن دو گروه فرضیه به شرح ذیل، اثر هموارسازی سود بر جریان‌های نقدی و سود دوره آتی را بررسی می‌کند:

فرضیه‌های گروه اول: هموارسازی سود با توجه به متغیر اندازه شرکت و نوع صنعت، رابطه بین سود دوره جاری و پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را تقویت می‌کند.

فرضیه ۱- هموارسازی سود در شرکت‌های بزرگ، رابطه بین سود دوره جاری و پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را تقویت می‌کند.

فرضیه ۲- هموارسازی سود در شرکت‌های کوچک، رابطه بین سود دوره جاری و پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را تقویت می‌کند.

فرضیه ۳- هموارسازی سود در صنایع محوری، رابطه بین سود دوره جاری و پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را تقویت می‌کند.

فرضیه ۴- هموارسازی سود در صنایع پیرامونی، رابطه بین سود دوره جاری و پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را تقویت می‌کند.

فرضیه‌های گروه دوم: هموارسازی سود با توجه به اندازه شرکت و نوع صنعت، رابطه بین سود و پیش‌بینی جریان‌های نقد عملیاتی آتی را تقویت می‌کند.

فرضیه ۵- هموارسازی سود در شرکت‌های بزرگ، رابطه بین سود و پیش‌بینی جریان‌های نقد عملیاتی آتی را تقویت می‌کند.

فرضیه ۶- هموارسازی سود در شرکت‌های کوچک، رابطه بین سود و پیش‌بینی جریان‌های نقد عملیاتی آتی را تقویت می‌کند.

فرضیه ۷- هموارسازی سود در صنایع محوری، رابطه بین سود و پیش‌بینی جریان‌های نقد عملیاتی آتی را تقویت می‌کند.

فرضیه ۸- هموارسازی سود در صنایع پیرامونی، رابطه بین سود و پیش‌بینی جریان‌های نقد عملیاتی آتی را تقویت می‌کند.

۳- روش‌شناسی تحقیق

۳-۱- روش تحقیق

جامعه آماری تحقیق حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای تعیین نمونه، آن دسته از شرکت‌های جامعه آماری که حداقل سهام آنها در بورس معامله شده باشد و در حین فعالیت دچار وقفه نشده باشند و دوره مالی آنها تغییر نکرده باشد و به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه منتهی به پایان اسفند ماه باشد و از جمله

شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌ای نباشد، به عنوان نمونه آماری انتخاب و بقیه حذف شدند.

با اعمال حداقل شرایط فوق، ۸۲ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شد. دوره زمانی مورد توجه از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ است. بدین منظور برای محاسبه معیار هموارسازی سود از داده‌ها و اطلاعات مالی شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ و برای پاسخگویی به فرضیه‌های تحقیق از اطلاعات مالی شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ استفاده می‌شود.

۳-۱-۱- تفکیک شرکت‌ها بر اساس متغیر اندازه شرکت و نوع صنعت

اندازه شرکت: برای تفکیک شرکت‌های نمونه بر اساس اندازه، ابتدا میانگین فروش از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ برای هر شرکت محاسبه و سپس میانه میانگین فروش اندازه‌گیری شد. شرکت‌هایی که بالاتر از این مبلغ فروش داشته‌اند به عنوان شرکت‌های بزرگ و شرکت‌هایی که کمتر از این مبلغ فروش داشته‌اند به عنوان شرکت‌های کوچک انتخاب شدند.

نوع صنعت: بر مبنای نظریه‌های اقتصادی دوگانه، صنایع به دو بخش محوری و پیرامونی تقسیم شده‌اند. بخش محوری، آن دسته از صنایعی‌اند که اساس و بافت سیاسی و اقتصادی هر کشوری را شامل می‌شوند و همچنین دارای منابع مالی بیشتری‌اند. علاوه بر این، انتظار می‌رود کالای باارزش و انحصاری را در رأس فعالیت خود قرار دهند. این‌گونه شرکت‌ها دارای سوددهی بالایی‌اند و به صورت عمده به تجارت می‌پردازند، مانند صنایع خودروسازی و شیمیایی. در مقابل، بخش پیرامونی دارای چنین ویژگی‌هایی نیست. از صنایع پیرامونی انتظار می‌رود خدمات غیر تخصصی را ارائه دهند و همچنین کالای کم‌ارزش را تولید کنند. بخش کشاورزی کم‌بازده از جمله این شرکت‌هاست (ملانظری، ۱۳۸۶: ۸۸). در این تحقیق، کلیه شرکت‌های نمونه به دو بخش صنایع محوری و پیرامونی تقسیم شده‌اند.

۳-۱-۲- محاسبه هموارسازی سود

هموارسازی سود: در این تحقیق، هموارسازی سود به عنوان یک متغیر مداخله‌گر وارد تحقیق می‌شود. این متغیر از طریق همبستگی منفی بین تغییر در شاخص اقلام تعهدی اختیاری (ΔDAP) و تغییر در سود از پیش تعیین شده اختیاری (ΔPDI) محاسبه می‌شود. برای برآورد اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز^{۱۶} استفاده می‌شود:

$$\text{مدل (۱): } \frac{\text{Accruals}}{\text{AT}_{t-1}} = a \left(\frac{1}{\text{AT}_{t-1}} \right) + b \left(\frac{\Delta \text{Sales}}{\text{AT}_{t-1}} \right) + c \left(\frac{\text{PPE}}{\text{AT}_{t-1}} \right) + d \text{ROA}_t + \mu_t$$

Accruals: کل اقلام تعهدی که برابر است با سود خالص عملیاتی به کسر از جریان نقد عملیاتی؛

AT: ارزش دفتری دارایی‌ها در ابتدای دوره مالی؛

ΔSales : تغییرات فروش طی دوره متوالی t و $t-1$ ؛

PPE: ناخالص دارایی‌های ثابت مشهود (ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات)؛

ROA: بازده دارایی‌ها که به عنوان یک متغیر کنترلی اضافی به مدل افزوده شده است؛

به دلیل اینکه محققان به این نتیجه رسیده‌اند که مدل جونز برای واحدهای دارای عملکرد خوب یا ضعیف مناسب نیست، کل اقلام تعهدی شامل اقلام تعهدی اختیاری و اقلام تعهدی

غیر اختیاری است. مطابق مدل جونز، $a \left(\frac{1}{\text{AT}_{t-1}} \right)$ ، $b \left(\frac{\Delta \text{Sales}}{\text{AT}_{t-1}} \right)$ ، $c \left(\frac{\text{PPE}}{\text{AT}_{t-1}} \right)$ و $d \text{ROA}$ اقلام تعهدی غیر اختیاری (NDA) هستند، بنابراین در این مدل μ ، بیانگر اقلام تعهدی اختیاری (DAP) است. سود قبل از اقلام تعهدی اختیاری (PDI)، از طریق کسر اقلام تعهدی اختیاری از سود خالص عملیاتی محاسبه شده است. مقدار هموارسازی سود، ضریب همبستگی بین تغییرات اقلام تعهدی اختیاری و تغییرات سود قبل از اقلام تعهدی اختیاری $\text{CORR}(\Delta \text{DAP}, \Delta \text{PDI})$ است که با استفاده از داده‌های سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ محاسبه شد. همچنین، ضریب همبستگی منفی بالا بیانگر هموارسازی بیشتر است. برای کنترل اثرات صنعت و زمان، شرکت‌ها بر اساس درجه هموارسازی‌شان رتبه‌بندی شدند. به عبارت دیگر، شرکت‌های با درجه هموارسازی پایین در ردیف اول و شرکت‌های با درجه هموارسازی بالا در ردیف‌های آخر قرار می‌گیرند. همچنین با تقسیم شماره ردیف هر شرکت بر تعداد کل شرکت‌ها، IS محاسبه می‌شود. لازم به ذکر است برای هر گروه تفکیک شده بر اساس اندازه شرکت و نوع صنعت، ضریب هموارسازی به طور جداگانه محاسبه می‌شود.

۳-۱-۳- آزمون ثبات سود

قبل از انجام آزمون فرضیه‌های تحقیق، ابتدا باید مدل مربوط به ثبات سود مورد بررسی قرار گیرد. در حقیقت مدل ثبات سود به عنوان فیلتر اولیه، ضریب واکنش بین هموارسازی (IS) و سود هر سهم (EPS) را مشخص می‌کند. بر اساس این آزمون، سود شرکت‌هایی که بیشتر اقدام به هموارسازی می‌کنند در آینده با ثبات‌تر است. ضریب $\text{IS}_t \times \text{EPS}_t$ (a_3) بیانگر چنین ویژگی است. چنانچه این ضریب مثبت باشد، هموارسازی سود، ثبات سود را

افزایش می‌دهد و در غیر این صورت، هموارسازی به قصد تحریف و در جهت منافع شخصی مدیریت صورت می‌گیرد.

$$EPS_{t3} = a_0 + a_1 EPS_t + a_2 IS_t + a_3 IS_t \times EPS_t + \varepsilon_t \quad (2) \text{ مدل}$$

۳-۱-۴- آزمون مدل تحقیق CKSS

تاگر و زاروین در پژوهش خود بیان کردند که مدل CKSS از تغییرات سود به عنوان متغیرهای مستقل استفاده می‌کند و برای راحتی کار فرض می‌کند که سودهای سالانه از قاعده حرکت تصادفی استفاده می‌کنند. در حقیقت این مدل تعیین می‌کند که آیا بازده جاری سهام دارای محتوای اطلاعاتی است؟ و اینکه می‌توان بر اساس بازده سهام یا قیمت جاری سهام، سود دوره آتی را پیش‌بینی کرد؟ با آزمون این مدل به بررسی ERC و FERC (ضریب پاسخگویی سود آتی) می‌پردازیم. b_2 و b_3 به ترتیب بیانگر ERC و FERC در مدل هستند. مثبت بودن FERC یا همان ضریب b_3 نشان می‌دهد بازده جاری سهام دارای محتوای اطلاعاتی است و می‌توان بر اساس بازده یا قیمت جاری سهام، سود دوره آتی را پیش‌بینی کرد.

$$R_t = b_0 + b_1 AdjEPS_{t-1} + b_2 AdjEPS_t + b_3 AsjEPS_{t3} + b_4 R_{t3} + \varepsilon_t \quad (3) \text{ مدل}$$

۳-۱-۵- مدل آزمون فرضیه‌ها

قسمت اول فرضیه‌ها به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا هموارسازی سود، رابطه بین سود دوره آتی و پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را تقویت می‌کند؟ در مدل زیر ضریب b_8 یعنی $IS_t \times AdjEPS_{t3}$ بیانگر این موضوع است، بنابراین اگر این ضریب مثبت باشد می‌توان گفت هموارسازی، رابطه بین سود دوره و پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که سود را هموارتر نشان می‌دهند، حاوی اطلاعات بیشتری درباره سودهای آتی هستند.

$$R_t = b_0 + b_1 AdjEPS_{t-1} + b_2 AdjEPS_t + b_3 AdjEPS_{t3} + b_4 R_{t3} + b_5 IS_t + b_6 IS_t \times AdjEPS_{t-1} + b_7 IS_t \times AdjEPS_t + b_8 IS_t \times AdjEPS_{t3} + b_9 IS_t \times R_{t3} + \varepsilon_t \quad (4) \text{ مدل}$$

قسمت دوم فرضیه‌ها به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا هموارسازی سود، رابطه بین سود دوره آتی و پیش‌بینی جریان‌ات نقد دوره‌های آتی را تقویت می‌کند؟ در مدل زیر ضریب b_{11} یعنی $IS_t \times CFO_{t3}$ بیانگر این موضوع است، بنابراین اگر این ضریب مثبت باشد می‌توان گفت هموارسازی، رابطه بین سود دوره و پیش‌بینی جریان‌ات نقد دوره‌های

آتی را تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که سود را هموارتر نشان می‌دهند حاوی اطلاعات بیشتری درباره جریان‌های نقد آتی هستند.

$$R_t = b_0 + b_1CFO_{t-1} + b_2CFO_t + b_3CFO_{t3} + b_4ACC_{t-1} + b_5ACC_t + b_6ACC_{t3} + b_7R_{t3} + b_8IS_t + b_9IS_t \times CFO_{t-1} + b_{10}IS_t \times CFO_t + b_{11}IS_t \times CFO_{t3} + b_{12}IS_t \times ACC_{t-1} + b_{13}IS_t \times ACC_t + b_{14}IS_t \times ACC_{t3} + b_{15}IS_t \times R_{t3} + \varepsilon_t$$

مدل (۵)

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- نتایج حاصل از تفکیک شرکت‌ها بر اساس اندازه شرکت و نوع صنعت

برای تفکیک بر اساس متغیر اندازه شرکت، از میانه میانگین فروش شرکت‌ها از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ استفاده شده است. میانه میانگین فروش شرکت‌ها مبلغ ۲۴۳۷۵۵/۵ میلیون ریال بود. شرکت‌هایی که بیشتر از این مبلغ فروش داشته‌اند به عنوان شرکت‌های بزرگ و شرکت‌هایی که کمتر از این مبلغ فروش داشته‌اند به عنوان شرکت‌های کوچک انتخاب شدند. بر اساس این محاسبات، از بین ۸۲ شرکت نمونه، ۴۱ شرکت به عنوان شرکت بزرگ و ۴۱ شرکت به عنوان شرکت کوچک تفکیک شدند. همچنین بر اساس تعاریف در قسمت روش تحقیق و بر اساس آنچه در تحقیقات پیشین صورت گرفته است (برای نمونه ملاظری، ۱۳۸۶؛ بلکویی^{۱۷} و پیکور^{۱۸}، ۱۹۸۶)، در تقسیم‌بندی نمونه‌ها، صنایع خودروسازی، شیمیایی، دارویی و فلزات اساسی به عنوان صنایع محوری و صنایع با فعالیت کشاورزی، کاشی و سرامیک، مواد غذایی، چوبی، منسوجات و سایر صنایع کم‌بازده به عنوان صنایع پیرامونی تعریف شدند. با توجه به این تقسیم‌بندی، از بین ۸۲ شرکت، ۴۲ شرکت به عنوان شرکت محوری و ۴۰ شرکت به عنوان شرکت پیرامونی تفکیک شدند.

۴-۲- نتایج حاصل از آزمون ثبات سود

هدف از آزمون ثبات سود این است که آیا سود هموار شده شرکت با سود دوره آتی در ارتباط است؟ به عبارت دیگر آیا هموارسازی، ثبات سود را بالا می‌برد یا اینکه شرکت‌هایی که در گذشته اقدام به هموارسازی سود کرده‌اند پایداری سود آنها بیشتر است. این آزمون با استفاده از مدل شماره (۲) انجام شده است. ضریب a_3 در این مدل بیانگر ثبات سود است. طبق مدل، a_3 ضریب واکنش بین هموارسازی سود است و سود هر سهم را مشخص می‌کند.

جدول ۱: نتایج حاصل از ضریب a_3 در مدل ثبات سود برای کل نمونه و گروه‌ها

$$EPS_{t3} = a_0 + a_1 EPS_t + a_2 IS_t + a_3 IS_t \times EPS_t + \varepsilon_t$$

N	Sig.	t-statistic	Beta	نمونه و گروه‌ها
۸۲	۰/۰۴۸	۲/۰۰۸	۱/۴۴۴	کل نمونه‌ها
۴۱	۰/۲۰۰	۱/۳۰۴	۱/۳۶۶	شرکت‌های بزرگ
۴۱	۰/۵۱۸	۰/۶۵۲	۰/۸۱۶	شرکت‌های کوچک
۴۲	۰/۴۴۴	-۰/۷۷۳	-۱/۰۴۸	صنایع محوری
۴۰	۰/۰۰۷	۲/۸۷۲	۲/۸۸۵	صنایع پیرامونی

ضریب a_3 برای ۸۲ نمونه انتخابی مثبت است. این امر نشان می‌دهد هموارسازی در مجموع ثبات سود را افزایش می‌دهد، اما از آنجایی که ما در این تحقیق بر دو مقوله اندازه شرکت و نوع صنعت تأکید داریم، این تحلیل برای گروه‌های مورد نظر نیز انجام گرفته است. همان طور که در نگاره ۱ مشاهده می‌شود، ضریب واکنش هموارسازی و سود هر سهم برای شرکت‌های بزرگ و کوچک و صنایع پیرامونی مثبت است و نشان می‌دهد در این گروه‌ها، هموارسازی ثبات سود را افزایش می‌دهد، اما برای صنایع محوری ضریب a_3 منفی است. منفی بودن ضریب واکنش هموارسازی و سود هر سهم در این مدل، نشان می‌دهد پایداری سود شرکت‌های محوری که در گذشته اقدام به هموارسازی کرده‌اند در آینده کمتر است، لذا هموارسازی در این گروه به قصد تحریف صورت گرفته است.

۴-۳- نتایج آزمون مدل CKSS

مدل کالینز و همکاران بیانگر رابطه بازده - سود است. در مدل شماره (۳) برای افزایش توان آزمون، سودهای سه سال آتی و بازده سه سال آتی ترکیب و خلاصه شده‌اند، لذا هدف ما از این آزمون این بوده است که آیا می‌توان بر اساس بازده سهام یا قیمت جاری سهام، سود دوره‌های آتی را پیش‌بینی کرد؟ به عبارت دیگر این آزمون به بررسی ضریب پاسخگویی سود و ضریب پاسخگویی سودهای دوره آتی که ERC و FERC هستند پرداخته است. ضریب b_2 و b_3 به ترتیب نشان‌دهنده این مفهوم است.

جدول ۲. نتایج حاصل از تخمین ضرایب b_2 و b_3 در مدل CKSS

$$R_t = b_0 + b_1 AdjEPS_{t-1} + b_2 AdjEPS_t + b_3 AsjEPS_{t3} + b_4 R_{t3} + \varepsilon_t$$

N	Sig.	t-statistic	Beta	
۸۲	۰/۰۳۶	۲/۱۳۲	۵۴/۹۸۲	AdjEPS _t
۸۲	۰/۰۰۹	۰/۶۵	۰/۵۲۲	AdjEPS _{t3}

ضریب b_3 در این مدل مثبت است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بازده سهام دارای محتوای اطلاعاتی است و می‌توان با استفاده از قیمت سهام یا بازده، سودهای دوره آتی را پیش‌بینی کرد.

۴-۴- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

قسمت اول به تأثیر هموارسازی سود بر رابطه بین سود دوره با پیش‌بینی سود دوره‌های آتی اشاره می‌کند. از آنجایی که بر دو متغیر اندازه شرکت و نوع صنعت تأکید شده است، این بررسی برای گروه‌های تفکیک شده از لحاظ دو متغیر انجام می‌گیرد. برای آزمون این دسته از فرضیه‌ها از مدل شماره (۴) استفاده شد. ضریب b_8 در این مدل مفهوم مورد نظر را نشان می‌دهد. نتایج این ضریب برای کل نمونه‌ها و گروه‌های تفکیک شده در زیر نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج حاصل از ضریب b_8 در مدل شماره (۴)

$$R_t = b_0 + b_1 \text{AdjEPS}_{t-1} + b_2 \text{AdjEPS}_t + b_3 \text{AdjEPS}_{t3} + b_4 R_{t3} + b_5 \text{IS}_t + b_6 \text{IS}_t \times \text{AdjEPS}_{t-1} + b_7 \text{IS}_t \times \text{AdjEPS}_t + b_8 \text{IS}_t \times \text{AdjEPS}_{t3} + b_9 \text{IS}_t \times R_{t3} + \varepsilon_t$$

N	Sig.	t-statistic	Beta	
۸۲	۰/۱۵۷	۰/۵۶۵	۱۸/۲۷۷	کل نمونه‌ها
۴۱	-۰/۰۷۲	-۰/۳۵	-۱۵/۶۵۲	شرکت‌های بزرگ
۴۱	۰/۰۹۵	-۰/۰۵۷	-۳/۶۱۲	شرکت‌های کوچک
۴۲	۰/۱۳۵	۱/۵۳۵	۸۷/۷۳۴	صنایع محوری
۴۰	۰/۵۳۹	۰/۶۲۱	۳۲/۰۰۷	صنایع پیرامونی

ضریب b_8 برای شرکت‌های بزرگ و کوچک منفی است، لذا هموارسازی در این شرکت‌ها رابطه بین سود دوره و پیش‌بینی سودهای دوره آتی را تقویت نمی‌کند. برای شرکت‌های محوری و پیرامونی نیز سطح معناداری آن به ترتیب $۰/۱۳۵$ و $۰/۵۳۹$ است که همانند شرکت‌های بزرگ و کوچک رابطه بین سود دوره و پیش‌بینی سودهای دوره آتی را تقویت نمی‌کند. در مجموع برای کل نمونه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که هموارسازی، رابطه بین سود دوره جاری و پیش‌بینی نقد دوره آتی را تقویت نمی‌کند.

قسمت دوم فرضیه‌ها به تأثیر هموارسازی سود بر رابطه بین سود دوره با پیش‌بینی جریانهای نقد دوره‌های آتی اشاره می‌کند. برای آزمون این دسته از فرضیه‌ها از مدل شماره (۵) استفاده شده است. ضریب b_{11} در این مدل مفهوم مورد نظر را نشان می‌دهد. نتایج این ضریب برای کل نمونه‌ها و گروه‌های تفکیک شده در زیر نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج حاصل از ضریب b_{11} در مدل شماره (۵)

$$R_t = b_0 + b_1CFO_{t-1} + b_2CFO_t + b_3CFO_{t3} + b_4ACC_{t-1} + b_5ACC_t + b_6ACC_{t3} + b_7R_{t3} + b_8IS_t + b_9IS_t \times CFO_{t-1} + b_{10}IS_t \times CFO_t + b_{11}IS_t \times CFO_{t3} + b_{12}IS_t \times ACC_{t-1} + b_{13}IS_t \times ACC_t + b_{14}IS_t \times ACC_{t3} + b_{15}IS_t \times R_{t3} + \varepsilon_t$$

N	Sig.	t-statistic	Beta	نمونه و گروه‌ها
۸۱	-.۰/۳۶۵	-.۰/۹۱۲	-۴/۷۹	کل نمونه‌ها
۴۱	-.۰/۳۶۵	-.۰/۹۲۲	-۵/۵۴	شرکت‌های بزرگ
۴۰	.۰/۲۳۷	۱/۲۱۲	۳/۷۷	شرکت‌های کوچک
۴۲	.۰/۳۶	-.۰/۹۲۱	-۴/۷	صنایع محوری
۳۹	.۰/۵۶۷	-.۰/۵۸۱	-۱/۴	صنایع پیرامونی

ضریب b_{11} برای شرکت‌های بزرگ، صنایع محوری و پیرامونی منفی است، لذا هموارسازی در این شرکت‌ها رابطه بین سود دوره و پیش‌بینی جریان نقد دوره‌های آتی را تقویت نمی‌کند. برای شرکت‌های کوچک نیز سطح معناداری آن ۰/۲۳۷ است که همانند شرکت‌های بزرگ، رابطه بین سود دوره و پیش‌بینی جریان نقد دوره‌های آتی را تقویت نمی‌کند. در مجموع برای کل نمونه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که هموارسازی، رابطه بین سود دوره جاری و پیش‌بینی جریان نقد دوره‌های آتی را تقویت نمی‌کند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های آماری اول و دوم تحقیق حاکی از رد دسته اول فرضیه‌هاست. این نتایج نشان می‌دهد درجه هموارسازی محاسبه شده در گروه‌های تفکیک شده از لحاظ نوع صنعت و اندازه شرکت، رابطه بین سود دوره جاری و پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را تقویت نمی‌کند. به عبارت دقیق و متناسب با مدل مربوط، رابطه بین تغییرات در سودهای آتی و بازده جاری سهام شرکت‌هایی که سود خود را هموار کرده‌اند کمتر است. این امر بدان معناست که هموارسازی به قصد تحریف و در جهت منافع شخصی مدیران انجام می‌گیرد. همچنین با استفاده از نتایج دسته دوم فرضیه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که هموارسازی در شرکت‌های بزرگ و کوچک و صنایع محوری و پیرامونی، رابطه سود دوره جاری و پیش‌بینی نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی را تقویت نمی‌کند که با قسمت اول فرضیه‌ها همگام است.

نتایج تحقیقات حاضر با نتایج تحقیق عباس هاشمی و صمدی (هاشمی و صمدی، ۱۳۸۸: ۱۶۳) سازگار نیست. ایشان در بررسی خود به این نتیجه رسیده بودند که هموارسازی بر رابطه بین سود و سود دوره‌های آتی تأثیر معنادار دارد و بر رابطه بین سود

دوره و ارقام تعهدی تأثیر معنادار ندارد، ولی نتایج این تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق حقیقت و رایگان (حقیقت و رایگان، ۱۳۸۷: ۴۴) سازگار است. ایشان در تحقیق خود رابطه بین سود دوره و پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را بررسی کردند که به نبود تأثیر هموارسازی بر این رابطه نتیجه داد و این نشان از تحریف هموارسازی در نمونه تحقیق است. لازم به ذکر است که نتایج تحقیق با نتایج تحقیق تاکر و زاروین (تاکر و زاروین، ۲۰۰۶: ۲۶۷) سازگار نیست.

همان طور که در قسمت‌های مختلف پژوهش بیان شد، عوامل متعددی ممکن است در هموارسازی شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. بررسی همه این عوامل در یک پژوهش امکان‌پذیر نیست. در این مطالعه بر دو متغیر اندازه شرکت و نوع صنعت تأکید شده است. پیشنهاد می‌شود برای تفکیک، از طبقات دیگری همانند چرخه‌ای یا غیر چرخه‌ای بودن و رشدی یا ارزشی بودن شرکت‌ها استفاده شود.

درجه هموارسازی در این تحقیق با استفاده از مدل‌های ارائه شده طی چند مرحله اندازه‌گیری شده است، لذا این امکان وجود دارد که هموارسازی اندازه‌گیری شده از طریق مدل با هموارسازی واقعی انجام شده متفاوت باشد، بنابراین در تعیین و اندازه‌گیری مقدار واقعی هموارسازی باید احتیاط کرد. همچنین قلمرو زمانی تحقیق ما برای محاسبه هموارسازی و آزمون فرضیات از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ بوده است، برای تعمیم نتایج به دوره‌های زمانی دیگر باید با احتیاط عمل کرد. در انجام تحقیق، محدودیت‌هایی نیز وجود داشته است؛ اکثر سال‌های مورد بررسی، سال‌های رکود بازار سهام بوده است که به احتمال زیاد در صورت رونق بازار سهام، نتایج به دست آمده متفاوت خواهد بود.

یادداشت‌ها

- 1- Easton
- 2-Tucker and Zarowin
- 3- Wild
- 4- Hepworth
- 5-Joe
- 6-Yoon
- 7- Atik
- 8- Adabashian
- 9- Ahsan
- 10- Kamarudin
- 11-Sun
- 12-Sanker and Subramanianm
- 13- Hunt
- 14-Ohlson

15-Juettner
16-Jones
17-Belkai
18-Picur

کتاب‌نامه الف) فارسی

- ۱- اعتمادی، حسین و جوادی مزده، محمد علی، (۱۳۸۹)، ((عوامل مؤثر در ارتباط بین هموارسازی سود و سودآوری شرکت‌ها))، فصل‌نامه حسابداری رسمی، ش ۸، صص ۱۳۰ تا ۱۳۴.
- ۲- انصاری، عبدالحمید و خواجهی، حسین، (۱۳۹۰)، ((بررسی ارتباط هموارسازی سود با قیمت بازار سهام و نسبت‌های مالی))، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، صص ۳۳ تا ۵۰.
- ۳- پور حیدری، امید و افلاطونی، عباس، (۱۳۸۵)، ((بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران))، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۴، صص ۵۵ تا ۷۰.
- ۴- حجازی، رضوان و قیطاسی، روح‌الله و کریمی، محمد باقر، (۱۳۹۰)، ((هموارسازی سود و عدم اطمینان اطلاعاتی))، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۶۳، صص ۶۳ تا ۸۰.
- ۵- حقیقت، حمید و رایگان، احسان، (۱۳۸۷)، ((نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سودها در خصوص پیش‌بینی سودهای آتی))، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۳۳ تا ۴۶.
- ۶- خدادادی، ولی و جان جانی، رضا، (۱۳۹۰)، ((بررسی رابطه مدیریت سود و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران))، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره اول، شماره پیاپی ۷، صص ۷۷ تا ۹۶.
- ۷- رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین، (۱۳۹۰)، ((بررسی رابطه هموارسازی سود بر آگاهی بخشی قیمت سهام))، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره سوم، شماره پیاپی ۹، صص ۳۹ تا ۵۴.
- ۸- سلیمانی امیری، غلامرضا و حمزی، راضیه، (۱۳۹۰)، ((اثر هموارسازی سود بر اطلاعات نامطمئن، بازده سهام و هزینه سهامداران))، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۶۴، صص ۹۱ تا ۱۱۲.

- ۹- ملانظری، مهناز و کریمی زند، ساناز، (۱۳۸۶)، ((بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران))، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۴۷، صص ۸۳ تا ۱۰۰.
- ۱۰- هاشمی، عباس و صمدی، ولی‌الله، (۱۳۸۸)، ((آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران))، تحقیقات حسابداری، شماره ۱، صص ۱۴۸ تا ۱۶۷.

ب) انگلیسی

- 11- Adabashian K., (2005), «the Effect of Large Leverage Increases on Opportunistic Behavior and Earning Management», PH.D University of Connecticut.
- 12- Atik A., (2009), « Detecting Income – Smoothing Behaviors of Turkish Listed companies Through Empirical Test Using Discretionary Accounting Change», *Journal of critical perspective on Accounting*, Vol. 20, pp. 591- 613
- 13- Belkoui A. and Picur R., (1984), «the Smoothing of Income Number: Same Empirical Evidence on Systematic Difference between Core and Periphery Industrial Sector», *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol. 11, p. 527
- 14- Easton P. and Harris T., (1991), «Earning as an Explanatory Variable for Return», *Journal of accounting research*, spring
- 15- Hepworth S., (1953), «smoothing periodic Income», *The Accounting Review*, Vol. 28, No. 1, pp9-32
- 16- Habib A., Hossain M. and Jiang H., (2011), «Environmental uncertainty and the market pricing of earnings smoothness», *Advances in accounting, incorporating Advances in International Accounting*, Vol. 17, pp. 694–709
- 17- Habib A., (2005), «Firm – Specific Determinations of Income Smoothing in Bangladesh an Empirical Evaluation», *Journal of Advances in International Accounting*, Vol. 18, and pp. 53-71
- 18- Hunt K., Moyer T., Shevlin G. Earnings Volatility, (2000), «Earnings Management, and Equity value, *Working Paper*, University of Washington
- 19- Kamarudin K. A. and Adibah b. and Ismail w. and Ibrahim m., (2000), «market perception of income smoothing practices, Malaysian evidence».
- 20- Sanker m. and Subramanianm K., (2001), «Reporting Discretion and Private Information Communication through Earning», *Journal of Accounting research*, Vol. 39. No. 2, pp. 370-379
- 21- Sun J., (2011), «the Effect of Analyst Coverage on the Informativeness of Income Smoothing», *the International Journal of Accounting*, 46, 333–349

- 22- Tucker J. and Zarowin P., (2006), «Does Income Smoothing Improve Earnings In formativeness», *The Accounting Review*, Vol. 81, No. 1, pp. 251–270
- 23- Wild J. and Bernstein L. and Subramaniam K., (2001), «Financial Statement Analysis», 7th, M.C. Gram Hill, p 25
- 24- Yoon S. and Gary A. (2002), «Cash from Operations and earning Management in Korea», *the International Journal of Accounting*, Vol. 36